دانشگاه درکسل؛ ایالت پنسیلوانیا

فرهیختگان| اگرچه دانشگاه «درکسل» یکی از قدیمی‌ترین دانشگاه‌های فیلادلفیا است و در سال ۱۸۹۱ تاسیس شده، طراحی وب‌سایت آن به هیچ وجه قدیمی و سنتی نیست. وب‌سایت این دانشگاه که در اکتبر ۲۰۱۲ راه‌اندازی شد، از سوی آژانس بزرگ و معتبر «نویگیشن آرت» طراحی شده است. این آژانس تمام تلاش خود را کرده تا بتواند شکوه و عظمت دانشگاه را در وب‌سایتش نشان دهد. طراحی این وب‌سایت علاوه‌بر جنبه‌های بصری قوی، قالب‌های با کیفیتی دارد که با سیستم‌های مختلف سازگار است و وضوح بالایی دارد. در سال ۲۰۱۳ این سایت جایزه طلایی «دیوی» برای طراحی بهترین سایت آموزشی و جایزه «وبی» را در بخش بهترین وب‌سایت‌های دانشگاهی برده است.

علم و جهان

یواس‌نیوز گزارش می‌دهد
دکتری پژوهشی یک ساله دانمارک

فرهیختگان| بررسی روند تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های کمبریج در انگلستان و کارولینسکا در سوئد نشان می‌دهد دانشجویان مقطع دکتری در این کشورها دوره‌های دو ساله برای دریافت مدرک آکادمیک می‌گذرانند. این در حالی است که دانشجویان دکتری دانمارک تنها با گذراندن یک سال تحصیلی مدرک‌های دانشگاهی خود را دریافت کرده و راهی بازار کار می‌شوند. سایت خبری یواس‌نیوز که همواره خبرهای دانشگاهی را پیگیری می‌کند در این باره می‌نویسد: «در طول ۱۰ سال گذشته تعداد دانشجویان دکتری پژوهشی دانمارکی هر سال به صورت چشمگیری افزایش داشته تا جایی که حالا به دو برابر نسبت به ۱۰ سال قبل رسیده است. مسئولان آموزشی دانشگاه‌های انگلستان و سوئد در راستای انتشار این خبر بر آن شدند نگاهی دوباره به وضعیت تحصیلی دانشجویان‌شان بیندازند و در صورت امکان در برخی رشته‌ها زمان تحصیل مقطع دکتری را کم کنند. مدس تومسن، مدیر ارشد برنامه‌ریزی تحصیلات تکمیلی دانمارک می‌گوید: «یک سال زمان برای خواندن مباحث درسی دکتری پژوهشی کافی است و به اعتقاد ما دانشگاه‌های دیگر کشورها هم باید از این زمان‌بندی استفاده کنند.»

دنیای دانش

در دانشگاه سانتاباربارا
سه دانشجو کشته شدند

فرهیختگان| در درگیری که روز دوشنبه ۱۱ می در خوابگاه دانشگاه سانتاباربارا اتفاق افتاد، سه نفر از دانشجویان این دانشگاه کشته شدند. رئیس این دانشگاه علت این درگیری را دشمنی یکی از دانشجویان سال دوم دانشگاه با سال بالایی‌ها اعلام کرد. ژوزف مورگان که به علت چاقی بیش از اندازه بین دانشجویان سال آخری مورد تمسخر قرار می‌گرفت، بامداد روز دوشنبه با همکاری دو دوست دیگر خود به خوابگاه دانشجویان سال بالایی می‌رود. به پیشنهاد یکی از دوستان «ژوزف»، آنها تصمیم می‌گیرند اسلحه‌ای اجاره‌ای را همراه خود ببرند تا دانشجویان را تهدید کنند که دست از شوخی و تمسخر او بردارند. درگیری بین گروه سه نفره دوستان ژوزف و دانشجویان دیگر بالا می‌گیرد تا جایی که سه نفر از دانشجویان این دانشگاه کشته می‌شوند. نگهبان خوابگاه به محض شنیدن اولین صدای شلیک به ساختمان مراجعه می‌کند اما دو گلوله دیگر هم دقیقا در فاصله زمانی بسیار کوتاهی بعد از آن و قبل از رسیدن رئیس خوابگاه شنیده می‌شوند. رئیس خوابگاه می‌گوید: «زمانی که وارد سالن اصلی شدم جسد خونی سه دانشجو روی زمین افتاده بود و بقیه دانشجویان در حال فرار بودند.»

عکس: محمد عباسی

در غرفه‌های دانشگاهی نمایشگاه کتاب تهران چه گذشت؟
ما به تماشا آمده‌ایم

یکی از غرفه‌دارها: حتی در نمایشگاه همه سرشان توی موبایل است و کسی کتاب نمی‌خواند

روناک حسینی
ronak.hoseini@fdn.ir

«می‌شه از این دو صفحه عکس بگیرم؟» دو دختر جوان جلوی یکی از غرفه‌ها ایستاده‌اند و یک کتاب سیصد چهارصد صفحه‌ای را ورق می‌زنند. یکی از دخترها به مسئول غرفه می‌گوید نمی‌خواهد کتاب را بخرد چون فقط دو صفحه از آن به دردش می‌خورد. می‌گوید اگر اجازه دهد از آن صفحه‌ها عکس بگیرد کارشان را راه انداخته است. دخترها که از اصرار کردن ناامید می‌شوند، خانم مسئول غرفه به من نگاه می‌کند و می‌گوید کدام استادی از یک کتاب فقط دو صفحه‌اش را درس می‌دهد؟ بعد هم خودش را با مرتب کردن کتاب‌های جلوی دست سرگرم می‌کند و می‌گوید تا حالا چنین چیزی نشنیده بوده است.

غرفه سراسر کتاب‌های معماری و تاسیسات ساختمان است. در بین کتاب‌های چیده‌شده در پیشخان غرفه، هم کتاب‌های تازه چاپ هست و هم چاپ قدیم. قدیمی‌ها با همان قیمت پشت جلد فروخته می‌شوند و در بین کتاب‌های تازه چاپ هم عنوان‌های ۳۰-۲۰ هزار تومانی پیدا می‌شود و هم ۱۲-۱۰ هزار تومانی. عنوان‌های گران‌تری هم هستند که ظاهرا کتاب‌های مرجعند یا عنوان‌های اساسی. مسئول غرفه می‌گوید سال اولی است که نمایشگاه می‌آید ولی همکارهایش که قدیمی‌ترند معتقدند امسال به نسبت سال‌های پیش، نمایشگاه خلوت‌تر است. می‌گوید بیشتر فروش‌شان خریدهای عمده سازمان‌ها، دانشگاه‌ها و کتابخانه‌ها است. می‌شود وسط راهرو، بین غرفه‌ها ایستاد و یادداشت نوشت یا عکس گرفت یا جواب چند پیغام تلفنی را داد بدون اینکه آدم از بند آوردن راه دیگران معذب شود یا کسی تنه بزند.

روز گذشته نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران به کار خود پایان داد. آخرین فرصتی که طبعا ناشران دانشگاهی هم برای نمایش عمده کتاب‌هایشان داشتند. گزارش حاضر روایتی است از غرفه‌های انتشارات دانشگاهی.

کاش کتاب‌دزدها کتاب‌ها را بخوانند

یکی از غرفه‌دارها صدایم می‌زند و تراکت سری جدید کتاب‌هایشان را می‌دهد دستم. چند کتاب اصطلاحات کاربردی در مکالمات انگلیسی و اصطلاحات رایج در درک فیلم‌های سینمایی پلیسی و چیزهایی از این دست. مسئول غرفه می‌گوید همه این روزها مثل شما سرشان توی موبایل است و کسی دیگر کتاب نمی‌خواند. همه دنبال نسخه‌های الکترونیک کتابند و اپلیکیشن. سراسر کتاب‌های روی پیشخان، فرهنگ لغت است و انواع کتاب‌های آموزشی زبان. مرد میانسالی یک کتاب آموزش فرانسه را دست می‌گیرد و قیمتش را می‌پرسد. بعد هم از میزان تخفیفی که به کتاب‌ها خورده اعلام نارضایتی می‌کند و کتاب را می‌گذارد سر جایش و می‌رود. پسر جوان غرفه‌دار، همین‌طور که با کارت آویزان از گردنش بازی می‌کند می‌گوید بیشتر کسانی که به اینجا می‌آیند تماشاگرند؛ کتاب‌ها را نگاه می‌کنند، ورق می‌زنند و بدون خرید می‌روند.

صدای دعوا بلند می‌شود، مسئول غرفه پیرمردی است که نیم‌خیز رویش را کرده به دو پسر جوان که در حال دور شدن هستند و داد می‌زند: «مفنگی خودتی...» بعد هم عصبانی می‌نشیند روی صندلی و نفسش که جا می‌آید، پی نقل خاطره‌ای را می‌گیرد که ظاهرا تا قبل از سر و صداها داشته برای خانم غرفه‌دار تعریف می‌کرده است. پیرمرد می‌گوید که چون بخش کوچکی از یک انتشاراتی بزرگند و غرفه اصلی‌شان در شبستان است، زیاد نمی‌تواند از اوضاع فروش در روزهای نمایشگاه اطلاع دقیقی بدهد. بعد هم مشغول سلام و علیک گرمی با رهگذر آشنایی می‌شود و حواسش از همه جا پرت. از خانم غرفه‌دار می‌پرسم از کتاب‌هایتان دزدی هم می‌شود؟ می‌گوید زیاد: «یکی آمده کتاب ابله داستایوسکی را برده، آن هم فقط دو جلد. کاش بیاید جلد سوم را هم ببرد. چون به درد ما که نمی‌خورد، خودش هم کتاب را ناقص برده است.» می‌گوید خیلی از ناپدید شدن کتاب‌هایشان ناراحت نمی‌شود و فقط کاش کسانی که کتاب‌ها را می‌برند، لااقل بخوانندشان.

غرفه کنار دستی، فضای کوچکی است که غرفه‌دار بیرون آن ایستاده و خودش از آدم‌ها دعوت می‌کند که سری هم به آنجا بزنند. می‌خندد و می‌گوید چاره‌ای ندارد، بلکه با این روش کتابی بفروشد. همین که می‌ایستم به تماشای کتاب‌ها، دو دختر جوان از راه می‌رسند و جلوی غرفه کوچک کاملا بسته می‌شود. یکی‌شان که دانشجوی شنوایی‌سنجی است و کتاب کوچک آموزش اکسل را ورق می‌زند، از غرفه‌دار می‌پرسد با برنامه «اکسل» چه کار می‌شود کرد؟ غرفه‌دار می‌گوید زیاد نمی‌داند و دختر را تایید می‌کند که می‌شود با آن نمودار کشید و کارهایی شبیه به این. کتاب‌هایش ۱۰ درصد تخفیف دارند و در بین کتاب‌های آموزش نرم‌افزارهای کامپیوتر، چند تایی هم کتاب کاهش استرس و قوانینی برای موفقت و راز و رمزهای زندگی عاشقانه چیده شده‌اند. کتاب‌ها با ۱۰ درصد تخفیف فروخته می‌شوند و غرفه‌دار می‌گوید روزانه به‌طور متوسط ۵۰۰-۴۰۰ هزار تومان فروش دارد.

مغزشان نمی‌کشد

«کتاب راندو دارید؟» غرفه‌دار با بی‌حوصلگی «نه»ای می‌گوید و کتابی را که جلویش باز است ورق می‌زند. زن جوانی که پشت صندوق ایستاده، می‌گوید امسال کارت‌خوان‌های بخش کتاب‌های خارجی را باز کرده‌اند و همه هجوم برده‌اند به آنجا که با چند تا بن کارت، یک کتاب کوچک نصیب‌شان شود. می‌گوید امسال نسبت به سال‌های قبل، سالن ناشران دانشگاهی بازدیدکننده کمتری دارد و فروش آنها هم کمتر شده است و لابد علتش بی‌پولی مردم است.

> یکی از دختری می‌گوید که وقتی پاکت بن کارتش را پاره کرد و خواست کتاب بخرد، کارتش خالی بوده و انگار بانک یادش رفته توی کارتش پول بریزد

پسر جوان در غرفه کوچکی، روی صندلی نشسته و عابران را تماشا می‌کند. وقتی توقف می‌کنم و کتاب‌ها را نگاه می‌کنم، امیدوارانه می‌پرسد چه کمکی از او ساخته است و دنبال چه کتابی هستم؟ کتاب‌ها همه روی مهندسی برق متمرکزند. کتاب‌های آموزشی و آمادگی برای آزمون. پسر جوان می‌گوید فروششان آن‌طور که باید خوب نیست، چون مثل انتشاراتی‌های بزرگ نمی‌توانند برای تبلیغات هزینه زیادی صرف کنند. می‌گوید نسبت خریدارها به تماشاگرها یک به پنج است و بیشتر می‌خواهند ببینند «این کیه که فقط کتاب‌های مهندسی برق داره.»

زن جوان غرفه‌دار می‌گوید مردم دیگر مغزشان نمی‌کشد کتاب‌های آموزشی بخوانند و می‌روند رمان می‌خوانند. برای همین شبستان شلوغ‌تر است. از نظر او امسال تبلیغات نمایشگاه ضعیف بوده و خیلی‌ها نمی‌دانند که نمایشگاه کتاب در حال برگزاری است. کتاب‌های این غرفه، روانشناسی‌اند و علوم تربیتی. فروش عمده‌شان سازمان‌ها و دانشگاه‌ها و شهرداری و این‌طور جاهاست. زن جوان دیگری می‌گوید گوگل و نسخه‌های پی‌دی‌اف، باعث شده عده کمتری کتاب بخرند: «دیروز به یکی از بازدیدکننده‌ها یک کتاب اصطلاحات پزشکی معرفی کردم. گفت چرا باید این همه پول بدهد؟ توی گوگل همه‌شان هست.» کمی آن طرف‌تر یکی از این غرفه‌های بزرگ است که چند صندوق دارند و ورود و خروجشان مجزاست. یکی از مشتری‌های عصبانی، دادی سر یکی از غرفه‌دارها می‌کشد و می‌گوید باید برود خیابان فردوسی دلار بفروشد جای کتاب‌فروشی. بقیه کتاب‌فروش‌ها غرفه‌دار را آرام می‌کنند که دعوا نشود. غرفه‌دار که آرام‌تر شده، با تسبیحش ور می‌رود و می‌گوید آنقدر سرشان شلوغ است که ناهارشان را چهار بعدازظهر می‌خورند و نمازشان می‌ماند برای ساعت پنج و تا چراغ‌ها را خاموش کنند، مشتری دارند و روزی حدود ۳۵ تا ۴۰ میلیون درآمد. این غرفه، کتاب‌های قانون و حقوق می‌فروشد و چند عنوان هم کتاب زبان دارد. می‌پرسم با این دم و دستگاه ازشان دزدی هم می‌شود؟ می‌گوید همیشه دزدی هست. یکی سرت را گرم می‌کند با سوال و رفیقش کتابی را برمی‌دارد و می‌رود بیرون. «یک بار یکی را گرفته بودند، می‌گفت از شهرستان آمده و پول رفت و آمدش را هم غرض کرده. می‌گفت پولی برای خرید کتاب نداشته و با خودش فکر کرده اینجا راهی برای گرفتن کتاب‌ها پیدا می‌کند.» مرد همین‌طور با تسبیحش بازی می‌کند و نگاهش بین مشتری‌ها می‌چرخد. پسر جوانی موقع خروج، کیسه زرد خریدش را می‌چرخاند و به رفیقش می‌گوید حالا بروند یک «کیفری» هم بگیرند که کارشان تمام‌شود. بعضی دانشجوها از خریدشان راضی‌اند و بن ۴۰ هزار تومانی دانشجویی برایشان کافی بوده، بعضی‌ها می‌گویند فقط یک عنوان کتابشان ۸۰ هزار تومان است و بن به هیچ جای خریدهای ضروری‌شان نرسیده است. یکی می‌گوید خودش و خواهرش و دوست‌هایشان روز سوم ثبت‌نام بن، با عبارت ظرفیت تکمیل است در سایت ثبت‌نام مواجه شده‌اند و چیزی به آنها نرسیده است. یکی از دختری می‌گوید که وقتی پاکت بن کارتش را پاره کرد و خواست کتاب بخرد، کارتش خالی بوده و انگار بانک یادش رفته توی کارتش پول بریزد. یکی از مردی می‌گوید که ۱۰۰ بن کارت داشته و دنبال مشتری می‌گشته. دانشجوها با کیسه‌های خرید و پاهای خسته از ساعت‌ها ایستادن و راه رفتن، موقع پایان روز کاری نمایشگاه دنبال راه خروج، گاهی با نگهبان‌ها که بعضی راه‌ها را بسته‌اند دعوایشان می‌شود و گاهی با شوخی و خنده، راهی مسیر برگشت به ایستگاه مترو می‌شوند. ایستگاه شلوغ نیست. لااقل نه آنقدر که آدم انتظار دارد در روزهای نمایشگاه کتاب باشد. قطارها بدن‌های خسته‌ای را با خود می‌کشند که احتمالا در حال حاضر بزرگ‌ترین آرزویشان رسیدن به خانه و استراحت و شاید ورق زدن کتاب‌های تازه‌شان باشد.

محتوای کتاب‌های آموزشی در بوته فراموشی

ناشران دانشگاهی شهرستانی، غرفه‌هایی کنار هم دارند و بعضی‌هایشان در فضا با هم مشترکند. می‌گویند راضی‌اند و روزی حدود دو میلیون یا کمتر کتاب می‌فروشند. البته انتشارات دانشگاه قم از قیمت آب و غذا در نمایشگاه ناراضی است و می‌گوید این جا بیشتر شبیه سر گردنه است. انتشارات دانشگاه‌های تهران هم تا حدودی وضعیت مشابهی دارند. انتشارات علامه از فروشش راضی است و انتشارات علم و صنعت می‌گوید فروشش خیلی خوب است و روزانه چیزی بین ۵ تا ۷ میلیون تومان کتاب می‌فروشد. دانشگاه شیراز و دانشگاه باهنر کرمان، غرفه مشترکی دارند و غرفه‌دارش می‌گوید مشتری‌های نمایشگاه «خیلی خیلی» به نسبت سال قبل کمترند و روزانه حدود ۲ میلیون تومان فروش دارد. انتشارات دانشگاه امیرکبیر می‌گوید آفت انتشاراتی‌های بزرگ، فروش نسخه‌های کپی کتاب‌ها در خیابان انقلاب و دانلود پی‌دی‌اف کتاب‌هاست. او معتقد است زیاد شدن یک عنوان کتاب آن هم به دست انتشاراتی‌هایی که صلاحیت چاپ آن عنوان را ندارند، کار و بار را خراب کرده است. می‌گوید می‌توانی بگویی امسال تعداد غرفه‌دارها از بازدیدکننده‌ها بیشتر است. یکی از صاحبان انتشاراتی‌های خصوصی بزرگ می‌گوید همه کتاب نخریدن به خاطر بی‌پولی نیست. استادها ترجیح می‌دهند جزوه‌های تکراری‌شان را درس بدهند، چون راحت می‌توانند جواب سوال دانشجوها را بدهند و زحمت کتاب خواندن هم از سرشان می‌افتد. می‌گوید به جای بن، اگر کاغذ و چاپ برای ناشر ارزان‌تر تمام شود، کتاب‌ها هم ارزان‌تر در اختیار دانشجو قرار می‌گیرد و غرفه‌ها شلوغ‌تر می‌شود. «کسی دوست ندارد مردم کتاب‌خوان شوند. ما عشق‌مان این کار است. اگر بخواهیم می‌توانیم همین پول را بگذاریم بانک. سود ماهانه‌اش بیشتر می‌شود.»

کتیبه

مجله هویت شهر

فرهیختگان| مجله هویت شهر، مجله‌ای علمی- پژوهشی در زمینه معماری و شهرسازی است. هدف از انتشار مجله ارائه نتایج پژوهش‌ها و تجربه‌های علمی و ارتباط بین نظریه و عمل در زمینه‌های معماری، شهرسازی و مطالعات محیط است. در این راستا تلاش شده است زمینه‌ای برای تبادل نظرات جدید، دستاوردهای طرح‌های تحقیقاتی و یافته‌های علمی برای متخصصان، پژوهشگران، دست‌اندرکاران حرفه و دانش‌پژوهان این عرصه فراهم شود. نوشتارهای پژوهشی، تحلیلی، گزارش‌های علمی در زمینه‌های معماری، شهرسازی به‌منظور اعتلا، ترویج و گسترش فرهنگ پژوهش در جامعه حرفه‌ای و دانشگاهی برای درج در مجله پذیرفته می‌شود. این نشریه از سال ۱۳۶۹ فعالیت خود را آغاز کرده است. تاکنون نزدیک به ۲۰ شماره از این مجموعه منتشر شده و سردبیری آن به عهده فرح حبیب است. علاقه‌مندان به چاپ اثر در این مجموعه می‌توانند به تارنمای اصلی نشریه به آدرس http://hoviatshahr.srbiau.ac.ir مراجعه کنند.

روزشمار آکادمی

کنفرانس مهندسی معماری عمران و توسعه شهری

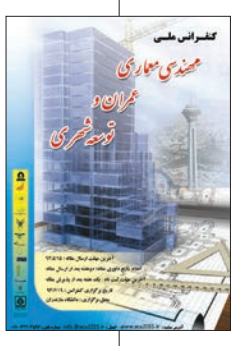

فرهیختگان| کنفرانس ملی مهندسی معماری، عمران و توسعه شهری در تاریخ ۱۹ شهریور ۱۳۹۴ توسط موسسه علمی تحقیقاتی کومه علم‌آوران دانش در شهر مازندران برگزار می‌شود. با توجه به اینکه این همایش به صورت رسمی برگزار می‌شود، تمام مقالات این کنفرانس در پایگاه سیویلیکا و نیز کنسرسیوم محتوای ملی نمایه خواهد شد و شما می‌توانید مقالات خود را به این همایش ارائه کرده و از امتیازات علمی ارائه مقاله کنفرانس با دریافت گواهی کنفرانس استفاده کنید. علاقه‌مندان می‌توانند با محوریت مهندسی معماری و مدیریت شهری، معماری و فرهنگ، معماری و محیط‌زیست، معماری و توسعه پایدار، آینده معماری، طراحی شهری، معماری و ساختمان آینده، معماری و سازه، معماری و شهرسازی، معماری داخلی و دکوراسیون، تازه‌های معماری، مهندسی مدیریت ساخت، مهندسی آب و مدیریت منابع آب، مهندسی سازه‌های هیدرولیکی و دریایی، مهندسی سازه‌های بتنی و فولادی، برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، حقوق و قوانین شهری- توسعه شهری و تاثیرها اقتصادی و اجتماعی طرح‌ها، مدیریت ساخت‌وساز شهری، مدیریت شهری در شرایط بحران و... مقالات خود را به این همایش ارسال کنند. همایش در وضعیت پذیرش مقاله است و آخرین مهلت ارسال مقاله به همایش ۱۵ مرداد ماه است.

علاقه‌مندان به شرکت در همایش می‌توانند به تارنمای اصلی همایش به آدرس: www.acu2015.ir مراجعه کنند.

پیشنهاد روز

لی‌لی پوتی برای آموزش

iOS | اندروید

> یکی از مدعیان امروزی این تکنولوژی و این شیوه آموزش، اپلیکیشن Khan Academy است که در آن می‌توان عنوان‌های گوناگون آموزشی را پیدا کرد

فرهیختگان| فرقی نمی‌کند دانشجو باشید، دانش‌آموز، مربی یا معلم یا کسی که سال‌هاست از دوران مدرسه‌تان گذشته است و آموختن منظم و مرتب آکادمیک را کنار گذاشته‌اید. همیشه سازمان‌هایی هستند که مدعی‌اند برنامه‌های آموزشی مناسب حال شما در بساط‌شان پیدا می‌شود. مدعی‌اند از پس آموزش همه چیز برمی‌آیند و فقط کافی است شما اراده کنید و تصمیم بگیرید برای آموختن چیزی داوطلب شوید. با پیشرفت تکنولوژی، پای این دسته از سازمان‌های آموزشی به دنیای اپلیکیشن‌ها هم باز شده و دیگر نمی‌شود بهانه دوری راه و کمبود وقت آورد. داشتن چیزی شبیه به یک دانشگاه لی‌لی‌پوتی چند مگابایتی در تلفن همراه یعنی امکان استفاده از زمان‌های سوخته برای آموزش. یکی از مدعیان امروزی این تکنولوژی و این شیوه آموزش، اپلیکیشن Khan Academy است که در آن می‌توان عنوان‌های گوناگون آموزشی را پیدا کرد. ریاضیات با تمرین‌های مرحله به مرحله، اقتصاد و مسائل مالی، برنامه‌نویسی کامپیوتر، مهارت‌های زبانی و رفتاری و... از عنوان‌هایی هستند که این اپلیکیشن برای آموزش در خود دارد. شعار آن آموختن چیزهای زیادی به رایگان است که ممکن است وسوسه‌کننده به نظر برسد.